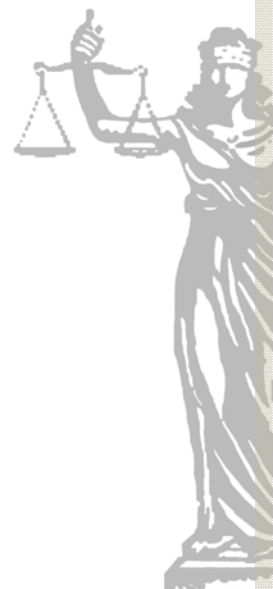


در دفاع از برابری حقوق همجنسگرایان اصول جوگجاکارتا

تألیف

گروه بین المللی کارشناسان قوانین بین المللی حقوق بشر
و تمایل جنسی و هویت جنسیتی
ترجمه: رضا ناصحی



اصول مربوط به شمول قوانین بین المللی حقوق بشر در زمینه تمایل جنسی و هویت جنسیتی

درآمدی بر اصول اعلام شده در جوگ جاकारتا

همه‌ی انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. کلیه‌ی حقوق انسانی، جهان‌شمول، وابسته به هم، جداناپذیر اند و پیوند عمیقی با هم دارند. گرایش جنسی¹ و هویت جنسیتی² بخش جداناپذیر از حیثیت و انسانیت فرد است و نباید باعث تبعیض یا استفاده‌ی نادرست شود.

در این که افراد با هرگونه تمایل جنسی و هویت جنسیتی بتوانند شأن و منزلتی را که حق هر فرد است داشته باشند، پیشرفت‌های چندی صورت گرفته است. بسیاری از کشورها قوانینی تصویب کرده‌اند که حقوق برابری را، بدون تبعیض، بدون تمایز جنسی، و مستقل از تمایل جنسی و هویت جنسیتی تضمین می‌کند.

با وجود این، نقض حقوق بشر که برخی به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان، چه واقعی و چه بنا به فرض، قربانی آن هستند، منشاء نگرانی عمیقی در سطح جهانی است. این نقض حقوق مشتمل است بر قتل‌های فراقضایی، شکنجه و بدرفتاری، تعرضات جنسی و تجاوز، ایجاد مزاحمت در زندگی خصوصی، بازداشت‌های خودسرانه، جلوگیری از اشتغال و تحصیل، و تبعیض‌های شدیدی که مانع از برخورداری از سایر حقوق انسانی می‌شوند. این نقض حقوق با دیگر اشکال خشونت، کینه‌ورزی، تبعیض و طرد، همچون تبعیض‌های مبتنی بر نژاد، سن، مذهب، معلولیت، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و غیره، تشدید می‌شوند.

کشورها و جوامعی هستند که با استفاده از آداب و رسوم، قوانین، و خشونت، هنجارها و موازینی را در زمینه‌ی جنسیت و تمایلات جنسی به افراد تحمیل می‌کنند تا چگونگی روابط خصوصی آنان و هویتی را که برای خود قائل اند کنترل نمایند. این کنترل جنسیت و مناسبات جنسی، همچنان به عنوان نیروی عظیمی در پشت خشونت مداوم مبتنی بر جنسیت و نابرابری میان دو جنس عمل می‌کند.

نظام بین‌المللی شاهد پیشرفت‌های عظیمی در جهت برابری جنسی و حفاظت در مقابل خشونت‌های اجتماعی، جماعتی و خانوادگی بوده است. به علاوه، ساز و کارهای کلیدی در زمینه‌ی حقوق انسانی در سازمان ملل، وظایفی را تصریح کرده‌اند که بر عهده‌ی کشورهاست تا حمایت مؤثر از همگان را در مقابل تبعیض‌های مبتنی بر تمایلات جنسی یا هویت جنسیتی تضمین نمایند. با وجود این، پاسخ بین‌المللی به این نقض حقوق بشر که به تمایلات جنسی و هویت جنسیتی مربوط می‌شود، یکدست و مستمر نبوده است.

برای پاسخ به این کمبودها، داشتن درکی هماهنگ از مجموع نظام حقوق بین الملل درباره‌ی حقوق بشر و کاربست آن در مسائل مربوط به تمایلات جنسی و هویت جنسیتی، ضروری است. مجهز بودن به نگاهی همه‌جانبه و روشن ساختن وظایفی که در نظام فعلی حقوق بین الملل در زمینه‌ی حقوق بشر، چگونگی اعتلاء و حفظ تمامی حقوق انسانی برای همگان براساس برابری و عدم تبعیض، بر عهده‌ی کشورهاست، اهمیت حیاتی دارد.

کمیسیون بین المللی حقوقدانان و سرویس بین المللی حقوق بشر، به عنوان ائتلافی از سازمان‌های دفاع از حقوق بشر، یک سلسله اصول حقوقی بین المللی در زمینه‌ی اجرای قوانین بین المللی در حوزه‌ی نقض حقوق بشر مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی تصویب کردند، تا وظایفی را که در رابطه با حقوق انسانی بر عهده‌ی کشورهاست، روشن‌تر و یکدست‌تر سازند.

گروهی از کارشناسان ممتاز، این اصول را نوشتند، به بحث گذاشتند و تدقیق کردند. در پی نشستی که از ۶ تا ۹ نوامبر ۲۰۰۶ به طور فشرده در دانشگاه گاجا مادا^۳ در شهر جوگجاکارتا^۴ برگزار شد، ۲۹ کارشناس بلندیپایه از ۲۵ کشور، با تجربه‌های متنوع و تخصص در زمینه‌ی قوانین حقوق بشر، اصول کاربست حقوق بین المللی حقوق انسانی را در رابطه با تمایل جنسی و هویت جنسیتی به اتفاق آراء به تصویب رساندند.

پروفسور مایکل اوفلاهرتی^۵، گزارشگر این نشست، سهم بزرگی در انشاء و بازبینی اصول داشت. تعهد و تلاش‌های مستمر او برای موفقیت این پروژه اهمیت حیاتی داشت.

اصول جوگجاکارتا در زمینه‌ی حقوق انسانی و کاربست آن‌ها در مسائل مربوط به تمایل جنسی و هویت جنسیتی، حوزه‌ی وسیعی از هنجارها را در برمی‌گیرند. این اصول تعهدات اصلی کشورها را در عملی ساختن حقوق انسانی تصریح می‌کنند. در پایان هر یک از این اصول، توصیه‌هایی شامل جزئیات، خطاب به دولت‌ها آمده است. کارشناسان در عین حال بر این نکته تأکید می‌کنند که کلیه‌ی دست‌اندرکاران در اعتلا و حفظ حقوق انسانی مسئولیت دارند. توصیه‌های الحاقی، سایر دست‌اندرکاران را همچون نهادهای حقوق بشر سازمان ملل، نهادهای کشوری دفاع از حقوق بشر، رسانه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و صاحبان منابع مالی، مورد خطاب قرار داده است.

کارشناسان معتقدند که اصول جوگجاکارتا، وضعیت فعلی قوانین حقوق بشر را در رابطه با مسائل مربوط به تمایل جنسی و هویت جنسیتی نشان می‌دهد. به علاوه، بر آنند که دولت‌ها باید بتوانند به علت تحول دایمی قوانین در زمینه‌ی حقوق بشر، تعهدات بیشتری بر عهده بگیرند.

اصول جوگجاکارتا، هنجارهای لازم‌الاجرای حقوقی بین المللی را تصریح می‌کنند و کشورها موظف‌اند قوانین خود را با این هنجارها هماهنگ کنند. این اصول آینده‌ی دیگری را نوید می‌دهند. آینده‌ای که در آن، همه‌ی انسان‌های آزاد به دنیا آمده و از لحاظ حیثیت و حقوق برابر، می‌توانند از این حقوق گران‌بهایی که با تولدشان [ذاتی] به دست آورده‌اند، بهره‌مند شوند.

سونیا اونوفر کوریا- معاون⁶

ویتی کزننار بورن - معاون⁷

ما، جمع بین المللی کارشناسان قوانین بین المللی حقوق بشر و تمایل جنسی و هویت جنسیتی،

پیش درآمد

یادآور می شویم که همه‌ی انسان‌ها آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، و هرکس می‌تواند، بدون هیچ تمایز، به ویژه نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده‌ی سیاسی یا غیر آن، خواستگاه ملی یا اجتماعی، مال و منال، تولد یا سایر وضعیت‌ها، از حقوق انسانی خویش بهره‌مند شود؛

با نگرانی از این که افراد در همه‌جا به دلیل گرایش جنسیتی یا هویت جنسی‌شان هدف خشونت، اذیاء، تبعیض، طرد، نکوهش و پیشداوری قرار می‌گیرند، از این که اوضاع به خاطر تبعیض مبتنی بر، به ویژه جنس، نژاد، سن، مذهب، معلولیت، وضعیت سلامتی و مالی، وخیم‌تر شده است، از این که این خشونت‌ها، اذیت و آزارها، تبعیض‌ها، طرد کردن‌ها، نکوهش‌ها و پیشداوری‌ها، شخصیت و حیثیت کسانی را که متحمل این سوء رفتار می‌شوند ویران می‌کند، از این که چنین وضعیتی می‌تواند حس دوست داشتن خود، حس تعلق به قوم خود را در آنان تضعیف کند و این وضع منجر به آن شود که بسیاری از آنان هویت جنسی خود را پنهان دارند یا نفی کنند و زندگی توأم با ترس و انزوا پیشه کنند؛

با آگاهی از اینکه اشخاص همواره در تاریخ، قربانی این نقض حقوق انسانی هستند، به دلیل همجنس‌گرا یا دوجنس‌گرا بودن یا تلقی شدن، به دلیل ذهنیت جنسی موافق با افراد همجنس خود، یا به دلیل ترانجسیتی (دگرجنس‌گونی)، ترانجسیتی یا میان‌دوجنسیتی⁸ بودن یا تلقی شدن، یا به دلیل تعلق داشتن به گروه‌های اجتماعی‌ای که در برخی جوامع با تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان تعریف شده‌اند؛

نظر به اینکه «تمایل جنسی» عبارت است از ظرفیت عمیق کشش احساسی، عاطفی و جنسی فرد نسبت به جنس مخالف، یا همجنس، یا بیش از یک جنس، و داشتن روابط نزدیک و جنسی با آنان؛

نظر به اینکه «هویت جنسیتی» عبارت از تجربه‌ی درونی و شخصی هر کس در مورد جنسیت خویش است چه مربوط به جنسیت وی در هنگام تولد باشد یا نباشد، و همین طور عبارت از آگاهی شخصی است نسبت به بدن خود (که اگر با رضایت آزادانه باشد، می‌تواند تغییر در شکل ظاهری یا کارکردهای بدنی از طریق پزشکی، جراحی و غیره را در بر گیرد) و دیگر تجلیات جنسیتی، همچون نحوه‌ی پوشش، گفتار و طرز رفتار؛

نظر به اینکه قوانین بین‌المللی حقوق بشر از همه‌ی افراد، مستقل از تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان حمایت می‌کند و همه‌ی افراد می‌توانند به تمامی از کلیه‌ی حقوق بشر بهره‌مند شوند، و اینکه برای تحقق حقوق بشر موجود می‌بایست اوضاع و تجارب ویژه‌ی اشخاص دارای تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون در نظر گرفته شوند، و اینکه در تمامی تصمیمات مربوط به کودکان، منافع ارجح کودک باید مرکز اصلی توجه باشد، و اینکه کودک صاحب قوه‌ی تشخیص حق دارد آزادانه ابراز عقیده کند، و عقاید او چنانکه باید و با توجه به سن او و میزان پختگی‌اش به حساب آید؛

با توجه به اینکه قوانین بین‌المللی حقوق بشر در مورد بهره‌مندی کامل از کلیه‌ی حقوق بشر، مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تبعیض را مطلقاً ممنوع می‌کند، و اینکه رعایت حقوق جنسی، تمایل جنسی و هویت جنسیتی، جزئی جداناپذیر از تحقق برابری زن و مرد است و دولت‌ها موظف‌اند که برای از میان برداشتن پیش‌داوری‌ها و رسوم رایج مبتنی بر ذهنیت فرودستی یا فرادستی زن یا مرد، یا نقش کلیشه‌ای مردان و زنان، تدابیری اتخاذ کنند، و به علاوه، با توجه به اینکه جامعه‌ی جهانی این حق را به اشخاص می‌دهد که آزادانه و با مسئولیت درباره‌ی هر آنچه که به جنسیت‌شان مربوط می‌شود، همین‌طور در مورد سلامتی جنسی و تولید مثل، بدون اجبار، تبعیض یا خشونت، تصمیم بگیرند؛

با آگاهی از اینکه می‌توان به پیوند نظام‌مند قوانین بین‌المللی حقوق بشر، ارزشی درخور توجه بخشید، طوری که بتواند در زندگی و تجارب افراد دارای تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون به کار گرفته شود؛

با اذعان اینکه چنین ارتباط و پیوندی باید بر پایه‌ی وضعیت فعلی قوانین بین‌المللی حقوق بشر استوار گردد و مستلزم بازبینی منظمی است، به نحوی که تحول این قوانین و کاربست آن در

زندگی و تجارب افراد با تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون، در طی زمان و در کشورهای مختلف در نظر گرفته شود؛

در پی نشست کارشناسان در جوگجاکارتا، در اندونزی از ۶ تا ۹ نوامبر ۲۰۰۶، اصول زیرین را به تصویب می‌رسانیم:

اصل ۱. حق جهان‌شمول بهره‌مندی از حقوق بشر

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. انسان‌ها با هر نوع تمایل جنسی و هویت جنسیتی می‌توانند به تمامی از کلیه حقوق بشر بهره‌مند شوند.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف- در قانون اساسی کشور یا سایر قوانین قید کنند که کلیه حقوق بشر، علی‌الاصول، جهان‌شمول، عمیقاً به هم پیوسته، وابسته به هم و جداناپذیرند و با اجرای عملی این اصول، بهره‌مندی همگان را از تمامی حقوق بشر تضمین نمایند؛

ب- قوانین و نیز قوانین کیفری را اصلاح کنند، تا با اصول جهان‌شمول بهره‌مندی از کلیه حقوق بشر هماهنگ شوند؛

پ- برای آموزش و نشر آگاهی لازم برای ترویج و ترفیع بهره‌مندی کامل همه ی افراد از کلیه حقوق بشر، مستقل از تمایل جنسی و هویت جنسیتی، برنامه‌های آموزشی تدارک ببینند؛

ت- در سیاست‌های حکومتی و در روند تصمیم‌گیری خود، نگرشی تکثرگرا برگزینند که پیوند عمیق و تقسیم‌ناپذیر همه‌ی جوانب هویت آدمی، از جمله تمایل جنسی و هویت جنسیتی را به رسمیت بشناسد و تصریح کند؛

اصل ۲. حق برابری و عدم تبعیض

هرکس، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، می‌تواند از کلیه حقوق بشر برخوردار باشد. همگان در برابر قانون برابرند و حق دارند، بدون چنین تبعیض‌هایی، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند شوند، خواه [این تبعیض] بر بهره‌مندی آنان از قانون انسانی دیگری تأثیر گذاشته باشد یا خیر. قانون، هر نوع تبعیضی از این دست را ممنوع خواهد کرد و برای کلیه افراد، حمایت یکسان و واقعی علیه این گونه تبعیض را تضمین خواهد نمود.

تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، هر نوع تمایز، طرد، محدودیت یا رجحان مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی را که هدف‌اش خنثی کردن یا تضعیف برابری در مقابل قانون، یا برخورداری از حمایت یکسان قانون، یا به رسمیت شناختن، بهره‌مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مبتنی بر برابری است، در برمی‌گیرد. تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، می‌تواند با تبعیض در زمینه‌های دیگری چون جنسیت، نژاد، سن، مذهب، معلولیت، وضعیت سلامتی و اقتصادی تشدید شود.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف- در قانون اساسی کشور یا سایر قوانین مربوطه، اصول برابری و عدم تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی را، چنانچه قبلاً نشده است، از جمله از طریق اصلاحیه‌ها و تفاسیر، قید کنند و اجرای مؤثر این اصول را تضمین نمایند؛

ب- تمامی مفاد قوانین کیفری و غیر آن که افراد همجنس به سن رضایت رسیده را از ایجاد رابطه جنسی مرضی الطرفین منع می‌کند لغو کنند و در قوانین، سن رضایت را برای ایجاد رابطه ی جنسی بین افراد همجنس و غیر همجنس یکسان تعیین نمایند؛

پ- برای رفع تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی در عرصه‌های اجتماعی و خصوصی، تدابیر مقتضی قانونی و غیر آن را اتخاذ کنند؛

ث- تدابیر خاصی را که برای تضمین پیشرفت اشخاص دارای تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون لازم است اتخاذ کنند، تا برای این گروه‌ها یا این افراد، بهره‌مندی یا اعمال برابر حقوق بشر تضمین شود. این تدابیر را نمی‌توان تبعیض‌آمیز تلقی کرد.

ج- در پاسخ به تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، به نحوه‌ی تلاقی این شکل از تبعیض با دیگر اشکال تبعیض توجه کنند؛

چ- به منظور نیل به هدف از میان بردن رفتار و برخورد تبعیض‌آمیز و زیان آور مبتنی بر فکر فرودستی یا فرادستی یک گرایش جنسی یا یک هویت جنسیتی، یا یک نمود ظاهری از جنسیت، کلیه‌ی تدابیر لازم، از جمله برنامه‌های آموزشی و تربیتی را فراهم کنند.

اصل ۳. شناسایی [شخصیت حقوقی افراد] در برابر قانون

حق هر کس است که شخصیت حقوقی‌اش در همه جا به رسمیت شناخته شود. اشخاص دارای تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون، در تمامی عرصه‌های زندگی‌شان، از اهلیت و اختیارات قانونی برخوردار خواهند بود. تمایل جنسی و هویت جنسیتی که هرکس شخصاً برای خود قائل است، بخشی جداناپذیر از شخصیت او و یکی از جنبه‌های بنیادین خودمختاری، حیثیت و آزادی است. هیچکس را نمی‌توان واداشت که برای به رسمیت شناخته شدن هویت جنسیتی‌اش، متحمل اقدامات پزشکی، از جمله جراحی برای تغییر جنسیت، عقیم‌سازی یا مداوای هورمونی

شود. هیچ وضعیتی، همچون تأهل یا پدر یا مادر بودن، نمی‌تواند مانع به رسمیت شناختن قانونی هویت جنسیتی یک شخص شود. هیچکس را نباید برای پنهان کردن، حذف یا انکار تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌اش تحت فشار گذاشت.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. اهلیت و اختیارات قانونی در امور مدنی، و امکان اعمال این اهلیت و اختیارات، از جمله برابری حق عقد قرارداد، و مدیریت، مالکیت، کسب (از جمله از طریق ارث)، اداره، استفاده و تملك اموال را برای همه‌ی اشخاص، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، تضمین کنند.

ب. برای محترم شمردن و به رسمیت شناختن هویت جنسیتی، به صورتی که هر شخص برای خود تعریف کرده است، کلیه‌ی تدابیر قانونی و اداری، و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

پ. در تمامی مدارك صادره توسط دولت که هویت جنسیتی شخص قید می‌شود، از قبیل شناسنامه، پاسپورت، کارت‌های انتخابات یا مدارك دیگر، برای تضمین وجود روالی که بیانگر واقعی هویت جنسی فرد باشد، به همان‌سان که هرکس برای خود تعریف می‌کند، کلیه‌ی تدابیر قانونی و اداری، و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

ت. تضمین کنند که این روال، مؤثر، عادلانه و بدون تبعیض باشد، و حیثیت و زندگی خصوصی اشخاص ذینفع را محترم شمارد.

ث. تضمین کنند که اصلاحات وارده در مدارك شناسایی، از نظر قانون یا سیاست‌گذاری، در کلیه‌ی شرایطی که احراز هویت یا دسته‌بندی اشخاص براساس جنسیت ضرورت دارد، به رسمیت شناخته شود.

ج. برنامه‌های هدفمندی به اجرا درآورند تا از اشخاصی که در حال تغییر جنسیت یا باز یافتن جنسیتی تازه اند، حمایتی اجتماعی به عمل آید.

اصل ۴. حق حیات

هر فردی دارای حق حیات است. هیچکس نباید خودسرانه، و به دلیل ملاحظات مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی، از حق حیات محروم شود. هیچکس را نمی‌توان به دلیل عمل جنسی که با رضایت اشخاص واجد سن رضایت، صورت گرفته است، و یا به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌اش، به اعدام محکوم نمود.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. کلیه‌ی قوانینی را که عمل جنسی مرضی‌الطرفین میان اشخاص واجد سن رضایت را ممنوع می‌کند، لغو نمایند و تا زمانی که لغو نشده، هرگز فردی را که طبق این قوانین مجرم شناخته شده است، اعدام نکنند.

ب. احکام اعدام صادر شده را لغو کنند و کسانی را که به دلیل جرایم مرتبط با اعمال جنسی مرضی‌الطرفین میان اشخاص واجد سن رضایت، در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می‌برند، آزاد کنند.

ت. به تعدیات جانی که به تشویق یا با رضایت دولت بر علیه افراد بر اساس تمایل جنسی و یا هویت جنسیتی شان صورت می‌گیرد پایان داده و در مورد چنین تعدیاتی تحقیقات جدی انجام دهند و از عاملین آن، از مقامات دولتی گرفته تا فرد یا گروه، بازجویی دقیق کرده و در صورت وجود دلایل کافی عاملین را بازداشت، محاکمه و چنانکه باید مجازات کنند.

اصل ۵. حق ایمنی شخص

هر فردی، مستقل از تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌اش، حق دارد از امنیت شخصی و محافظت دولت در برابر اذیت و آزار و بدرفتاری توسط عوامل دولتی یا فرد و گروه برخوردار باشد.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. کلیه تدابیر پلیسی و سایر تدابیر لازم را برای جلوگیری از هرگونه خشونت یا ایداء مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی نسبت به اشخاص اتخاذ نمایند و از آنان در مقابل این ایداء یا خشونت محافظت کنند.

ب. برای اعمال مجازات‌های کیفری لازم علیه هرگونه خشونت، تهدید به خشونت، تشویق خشونت و هرگونه ایداء مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی، نسبت به فرد یا گروه، در کلیه عرصه‌های زندگی، به ویژه خانوادگی، کلیه تدابیر قانونی لازم را اتخاذ کنند.

پ. برای اینکه تمایل جنسی و هویت جنسیتی قربانی برای توجیه، عذر یا کم‌اهمیت جلوه دادن چنین خشونتی به کار گرفته نشود، کلیه تدابیر قانونی، اداری و سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند.

ت. تضمین کنند که تحقیقات کامل در مورد چنین خشونتی صورت بگیرد و زمانی که دلایل کافی فراهم است، اشخاص مسئول تحت پیگرد قرار گرفته، محاکمه و چنان که باید مجازات شوند، و صدمات و خسارات وارده به قربانی جبران شود و وی غرامت مالی متناسب دریافت نماید.

ث. کمپینی برای آگاهی و آشنایی همگان و نیز برای عاملان بالقوه و بالفعل خشونت به راه اندازند، تا با پیش‌دآوری‌هایی که زمینه‌ی این خشونت مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی است، مبارزه شود.

اصل ۶. حق برخورداری از زندگی خصوصی

هرکس، صرف‌نظر از تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌اش، می‌تواند از حریم خصوصی زندگی برخوردار شود، بی‌آنکه در آن، و نیز در خانواده، مسکن و یا در مکاتبات‌اش مداخلاتی خودسرانه

و غیرقانونی صورت گیرد، همچنین حق دارد که از هرگونه آسیب غیرقانونی به حیثیت و آبروی خویش مصون باشد. حق برخورداری از زندگی خصوصی، طبیعتاً شامل مختار بودن در فاش ساختن یا پنهان داشتن اطلاعاتی است که به تمایل جنسی و هویت جنسیتی فرد مربوط می‌شود، همین‌طور در مورد اطلاعات مربوط به بدن و روابط جنسی مرضی‌الطرفین، و نیز سایر روابط با اشخاص دیگر.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. کلیه تدابیر قانونی، اداری و سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا هر فرد بتواند رها از دخالت‌های خودسرانه [دیگران]، صرف نظر از تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌اش، حق بهره‌مندی از حریم زندگی خصوصی را داشته باشد، و در تصمیم‌گیری‌های شخصی و مناسبات انسانی، و نیز اعمال جنسی مرضی‌الطرفین اش با دیگر اشخاص واجد سن رضایت، آزاد باشد؛

ب. تمامی قوانینی را که عمل جنسی مرضی‌الطرفین میان اشخاص همجنس واجد سن رضایت را جرم تلقی می‌کنند لغو کنند، و همان شرط سنی را برای افراد همجنس مقرر کنند که برای توافق میان دو جنس مخالف تعیین شده است؛

پ. تضمین کنند که مفاد قوانین کیفری و سایر قوانین جاری، عملاً برای جرم شناختن عمل جنسی مرضی‌الطرفین میان اشخاص همجنس واجد سن رضایت، مورد استفاده قرار نگیرند؛

ت. قوانینی که ابراز هویت جنسی، از جمله از طریق طرز پوشش، گفتار یا نحوه رفتار را ممنوع کرده یا آن را جرم تلقی می‌کند، و نیز قوانینی را که اشخاص را از امکان تغییر جنسیت، به عنوان راهی برای بیان هویت جنسی محروم می‌کند، لغو کنند؛

ث. زندانیانی را که به دلایلی مرتبط با عمل جنسی مرضی‌الطرفین میان اشخاص واجد سن رضایت، یا به دلایلی مرتبط با هویت جنسی زندانی شده‌اند، آزاد کنند؛

ج. تضمین کنند که هر کس اختیار این را داشته باشد اطلاعات مربوط به تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش را چه زمان، به چه کس و چگونه بیان کند، و از او در برابر فاش کردن خودسرانه یا ناخواسته، یا در برابر تهدید به فاش کردن این اطلاعات حمایت کنند.

اصل ۷. حق محروم نشدن خودسرانه از آزادی

هیچکس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. دستگیری یا بازداشت براساس تمایل جنسی و هویت جنسیتی، چه بر طبق حکم دادگاه باشد و چه نباشد، بازداشتی خودسرانه محسوب می‌شود. کلیه زندانیان، مستقل از تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان، می‌توانند طبق اصل برابری، از حق مطلع شدن از علل بازداشت و ماهیت اتهاماتی که علیه‌شان عنوان شده، و نیز از حق رجوع به یک مرجع قضایی، بدون تأخیر، برای صدور رأی در مورد قانونی بودن بازداشت برخوردار شوند، خواه به جرمی محکوم شده باشند یا خیر.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین اینکه علت دستگیری یا بازداشت، در هیچ شرایطی، تمایل جنسی و هویت جنسیتی نباشد، کلیه تدابیر قانونی و اداری، و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند، و همچنین، قوانین کیفری حاوی مفاد مبهم را که راه را برای اجرای تبعیض‌آمیز قانون باز می‌کنند، یا امکان دستگیری بر اساس پیش‌داوری‌ها را فراهم می‌کنند، لغو نمایند؛

ب. کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا اشخاص دستگیر شده، مستقل از تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان بتوانند بنا بر اصل برابری، از حق مطلع شدن از دلایل بازداشت و ماهیت اتهاماتی که علیه‌شان عنوان شده بهره‌مند شوند، و نیز از حق رجوع به یک مرجع قضایی، و چه متهم شده باشند چه نه، از حق حضور فوری در محضر یک مرجع قضایی و دادرسی برای مشخص ساختن قانونی بودن بازداشت، برخوردار شوند؛

پ. برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی ترتیب دهند تا پلیس و ضابطان قانون را درباره‌ی ماهیت خودسرانه‌ی هرگونه دستگیری یا بازداشت اشخاص به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان آموزش دهند؛

ت. گزارش تمامی دستگیری‌ها و بازداشت‌ها را به دقت، با ذکر تاریخ، محل و دلیل بازداشت نگهدارند، و نظارتی مستقل از کلیه‌ی مراکز بازداشت، از طریق نهادهای معین و با تجهیزات مناسب تأمین کنند که دستگیری‌ها و بازداشت‌هایی را که می‌تواند به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی شخص باشد، تشخیص دهد.

اصل ۸. حق برخورداری از دادگاه عادلانه

هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود، دادگاهی که در هنگام محاکمه، بدون پیش‌داوری و تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، او را از حقوق و وظایف و اتهامات وارده مطلع گرداند.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای منع و از میان بردن رفتارهای زیان‌آور مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، در تمام مراحل دادرسی، چه کیفری چه مدنی، و دیگر دعاوی قضایی یا اداری که هدف‌شان تعیین حقوق و وظایف است، و برای تضمین این که اعتبار یا شهرت شخص، به عنوان طرف، شاهد، وکیل یا تصمیم‌گیرنده به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌اش مورد تردید قرار نگیرد، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ب. برای حمایت از اشخاص در مقابل تعقیب کیفری یا مدنی که تماماً یا بخشاً به دلیل پیش‌داوری‌های مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی اوست، تمامی تدابیر لازم و معقول را اتخاذ کنند؛

ج. برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی برای قضات، پرسنل دادگاه، دادستان‌ها، وکلا و دیگران درباره‌ی هنجارهای بین‌المللی حقوق انسانی و اصول برابری و عدم تبعیض و نیز در رابطه با تمایل جنسی و هویت جنسیتی، ترتیب دهند.

اصل ۹. حق برخورداری از رفتار انسانی در زمان بازداشت

در باره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد. تمایل جنسی و هویت جنسیتی، بخش جدایی‌ناپذیر از حیثیت هر شخص است.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. تضمین کنند که بازداشت اشخاص، به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، منجر به انزوای بیشتر آنان نگردد، یا آنان را در معرض خشونت، بدرفتاری یا سوءاستفاده‌ی جسمی، روانی یا جنسی قرار ندهد؛

ب. با به رسمیت شناختن نیازهای ویژه‌ی زندانیان برحسب تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان، دسترسی مناسب آنان را به معالجات پزشکی و به یک بخش ویژه‌ی مشاوره‌ای، و نیز در رابطه با بهداشت تناسلی، دسترسی به اطلاعات مربوط به و. ای. اچ و ایدز و درمان، و همچنین دسترسی به هورمون‌درمانی و غیره، و در صورت درخواست، به معالجات مربوط به تغییر جنسیت را فراهم کنند؛

پ. تضمین کنند، در حد امکان، تمامی زندانیان بتوانند در تصمیمات مربوط به محل بازداشت که از نظر تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان مناسب‌تر باشد، مشارکت کنند؛

ت. برای حفاظت از زندانیانی که به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان در مقابل خشونت یا سوءاستفاده آسیب‌پذیر اند، تدابیری اتخاذ کنند، و در حد امکان تضمین کنند که چنین تدابیری برای آنان، محدودیت‌های بیشتر از دیگر زندانیان ایجاد نکند؛

ث. تضمین کنند که ملاقات‌های میان زوجین در محل‌های مجاز، به طور مساوی به همه‌ی زندانیان و بازداشت‌شدگان، مستقل از جنسیت طرف مقابل‌شان داده شود؛

ج. به نیازهایی که از ملزومات نظارت مستقل بر زندان‌هاست، و خواه توسط دولت و خواه توسط سازمان‌های غیردولتی اداره می‌شوند، و همچنین به نیاز نهادهایی که در عرصه‌ی تمایل جنسی و هویت جنسیتی کار می‌کنند، پاسخگو باشند؛

چ. برای پرسنل زندان‌ها و برای دیگر مسئولان بخش خصوصی یا دولتی که در مراکز بازداشت کار می‌کنند، با توجه به هنجارهای بین‌المللی حقوق انسانی و اصول برابری و عدم تبعیض، و نیز در رابطه با تمایل جنسی و هویت جنسیتی، برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی تنظیم کنند.

اصل ۱۰. حق مصونیت از شکنجه و مجازات‌ها یا رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین‌آمیز

هرکس حق دارد از شکنجه و مجازات یا رفتار بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین‌آمیز، مصون باشد، از جمله بنا بر دلایلی که به تمایل جنسی و هویت جنسیتی او مربوط می‌شود.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای جلوگیری و حمایت در مقابل شکنجه و مجازات‌ها یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا موهن، که به دلایلی مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی قربانی صورت می‌گیرد، و نیز علیه هرگونه تشویق به انجام چنین اعمال، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ب. جهت شناسایی قربانیان شکنجه و مجازات‌ها یا رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین‌آمیز که به دلایلی مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی قربانی صورت می‌گیرد، کلیه‌ی تدابیر معقول را اتخاذ کنند، و دادرسی متناسبی فراهم آورند که شامل ترمیم، جبران خسارت، و زمانی که [وجود شکنجه] مسلم شد، شامل امداد پزشکی و روانی بشود؛

پ. برای پلیس، پرسنل زندان و کلیه‌ی مسئولان بخش خصوصی و دولتی که می‌توانند از این اعمال جلوگیری کنند و یا مرتکب این اعمال شوند، برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی تدارک ببینند.

اصل ۱۱. حق مصونیت از همه‌ی اشکال بهره‌کشی، فروش و قاچاق انسان

هرکس حق دارد از مصونیت در مقابل قاچاق، فروش و هرگونه بهره‌کشی، و نه فقط بهره‌کشی جنسی، به دلایل تمایل جنسی و هویت جنسیتی، خواه واقعی باشد و خواه به تصور رسد، برخوردار شود. تدابیری که برای جلوگیری از این قاچاق اتخاذ می‌شوند، باید به مؤلفه‌هایی بپردازد که آسیب‌پذیری، و نیز اشکال گوناگون نابرابری و تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، خواه واقعی و خواه تصویری، یا مبتنی بر تجلیات این هویت یا هویت‌های دیگر را افزایش می‌دهند. این تدابیر نباید با حقوق بشر اشخاصی که در معرض خطر قاچاق اند، متضاد باشند.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای جلوگیری و حمایت در مقابل قاچاق، فروش و هرگونه بهره‌کشی، و نه فقط بهره‌کشی جنسی، به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی، خواه واقعی باشد یا به تصور رسد، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ب. تضمین کنند که این تدابیر قانونی یا این تمهیدات، طرز فکر اشخاص آسب‌پذیر را مجرمانه تلقی نکند، سرزنش ننماید، یا به هر طریقی، وضعیت نامساعد آنان را وخیم‌تر نگرداند؛

پ. تدابیر، خدمات و برنامه‌های آموزشی و اجتماعی تنظیم کنند که به مؤلفه‌هایی بپردازد که آسیب‌پذیری اشخاص را در مقابل قاچاق، فروش و هرگونه بهره‌کشی، و نه فقط بهره‌کشی جنسی، به دلایل تمایل جنسی و هویت جنسیتی، خواه واقعی باشد یا به تصور رسد، افزایش می‌دهند، و همین طور مؤلفه‌هایی را در نظر گیرند که همچون طرد شدن از جامعه، تبعیض، طرد شدن از خانواده یا جماعت‌های هم‌فرهنگ، عدم استقلال مالی، نداشتن سرپناه، ذهنیت اجتماعی تبعیض‌گرا، منجر به کاهش ارج و احترام به خویشتن و عدم محافظت علیه تبعیض در دستیابی به مسکن، شغل و خدمات اجتماعی می‌شوند.

اصل ۱۲. حق کار

هرکس حق دارد کاری آبرومندانه و مفید، توأم با شرایط منصفانه و رضایت‌مندانه داشته باشد و در مقابل بیکاری، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، مورد حمایت قرار گیرد.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای از میان بردن و ممنوعیت هرگونه تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی در عرصه‌های خصوصی و عمومی کار، و نیز در رابطه با آموزش حرفه‌ای، استخدام، پیشرفت حرفه‌ای، بیکار شدن، شرایط کار و مزد و پاداش، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ب. به هرگونه تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی پایان دهند تا يك شغل برابر و امکانات ترقی حرفه‌ای برابر در تمامی عرصه‌های عمومی، در کلیه سطوح دواير دولتی و اشتغال در مناصب دولتی، نیز در پلیس و ارتش، برای همگان تضمین شود، و برای پایان دادن به نگرش‌های تبعیض‌آمیز، برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی مناسب فراهم کنند.

اصل ۱۳. حق برخورداری از تأمین اجتماعی و سایر تدابیر مربوط به حمایت اجتماعی

هرکس حق دارد که از تأمین اجتماعی و سایر تدابیر مربوط به حمایت اجتماعی، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، برخوردار باشد.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین برابری در دستیابی به تأمین اجتماعی و سایر امکانات حمایت اجتماعی، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند، از جمله در رابطه با امتیازات مربوط به شغل، مرخصی، موقعیت مادری یا پدری، کمک دوران بیکاری، بیمه‌های درمانی، خدمات پزشکی یا داشتن مزد در دوران بیماری

(همین طور برای تغییرات جسمی مربوط به هویت جنسی)، سایر بیمه‌های اجتماعی، کمک‌های مربوط به خانواده، کمک‌های مربوط به تدفین، کمک‌ها و پاداش‌های مربوط به از دست دادن حمایت مالی یک همسر یا یک همراه (= همسر بدون ازدواج) به علت بیماری یا مرگ؛

ب. تضمین کنند که نسبت به کودکان، در نظام تأمین اجتماعی یا در امدادسانی یا کمک‌های اجتماعی، به دلایل مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان یا اعضای خانواده آنان رفتارهای تبعیض آمیز، به هر شکلی صورت نگیرد؛ برای تضمین دست‌یافتن به استراتژی‌ها و برنامه‌های کاهش فقر، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، ضروریست، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند.

اصل ۱۴. حق داشتن سطح زندگی مکفی

هرکس حق دارد از یک سطح زندگی مکفی، به ویژه از تغذیه‌ی مکفی، دسترسی به آب سالم، بهداشت و لباس مناسب، و بهبود مداوم شرایط زندگی، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌اش، برخوردار باشد.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین دسترسی برابر به تغذیه‌ی مکفی، به آب سالم، بهداشت و لباس مناسب، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، اتخاذ کنند.

اصل ۱۵. حق داشتن یک مسکن مناسب

هرکس حق دارد، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، از یک مسکن مناسب، و نیز از حمایت در مقابل اخراج شدن از خانه، برخوردار باشد.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین امنیت بهره‌مندی از مسکن، و داشتن یک مسکن مناسب، قابل سکونت، قابل دسترس، از نظر فرهنگی مناسب و امن، و نیز در مورد سرپناه‌ها و سکونت‌گاه‌های اضطراری کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، یا وضعیت خانوادگی یا تأهل، اتخاذ کنند؛

ب. برای ممنوع کردن اجرای حکم تخلیه‌ای که با تعهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر مطابقت نمی‌کند، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند، و تضمین نمایند که دادرسی قضایی یا اشکال دیگر دادرسی مناسب و مؤثر، در دسترس همه‌ی کسانی باشد که معتقدند حق آنان در حمایت شدن در مقابل اخراج به زور، نقض شده یا در معرض نقض شدن است، و نیز در دسترس همه‌ی کسانی باشد که حق آنان در مورد اسکان مجدد نقض می‌شود، از

جمله، حق داشتن زمینی با همان کیفیت یا بهتر، و حق داشتن مسکن مناسب، بدون تبعیض به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی، یا به دلیل وضعیت خانوادگی یا تأهل.

پ. بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، حقوق برابر را در مالکیت زمین و مسکن، و ارث تضمین کنند؛

ت. با توجه به مؤلفه‌های مرتبط با تمایل جنسی و هویت جنسیتی، که آسیب‌پذیری در مقابل بی‌مسکن شدن را، به ویژه برای کودکان و جوانان افزایش می‌دهند، به ویژه با توجه به مؤلفه‌هایی همچون طرد شدن از جامعه، خشونت خانگی یا اشکال دیگر، تبعیض، عدم استقلال مالی و طرد شدن توسط خانواده یا جامعه‌ی هم‌فرهنگ، برنامه‌های اجتماعی، و نیز حمایتی ترتیب دهند، و برنامه‌های حمایتی و ایمنی را در سطح محله گسترش دهند؛

ث. برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی ارائه دهند تا تمامی دست‌اندرکاران و نهادهای ذیربط، نسبت به نیازهای اشخاصی که به دلیل تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌شان، بی‌خانمان یا از نظر اجتماعی آسیب‌پذیرند، آگاه و حساس باشند.

اصل ۱۶. حق برخورداری از آموزش و پرورش

هرکس حق دارد، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی‌اش، که در هر حال مد نظر خواهد بود، از آموزش و پرورش بهره‌مند شود.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین دسترسی برابر به آموزش و پرورش و رفتار برابر با دانش‌آموزان، و با اعضای پرسنلی و آموزگاران در نظام آموزشی واحد، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، اتخاذ کنند؛

ب. تضمین کنند که هدف آموزش و پرورش، شکوفایی شخصیت دانش‌آموز و توسعه‌ی استعدادها، و توانایی‌های ذهنی و جسمی در همه‌ی ابعاد بالقوه‌ی آنها باشد، و به نیازهای دانش‌آموزان، با همه‌ی تمایلات جنسی و تمامی هویت‌های جنسیتی، پاسخ دهد؛

پ. تضمین کنند که آموزش و پرورش، احترام به حقوق بشر و احترام به هر کودک را در آنچه که به والدین و اعضای خانواده‌اش، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌هایش مربوط می‌شود، با روح تفاهم، صلح، مدارا و برابری، ضمن توجه و احترام به تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون، در ذهنیت آنان جایگیر کند؛

ت. تضمین کنند که روش‌ها و برنامه‌ها و امکانات آموزشی، در خدمت بالا بردن حس تفاهم و احترام نسبت به تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون باشند، و نیز در خدمت نیازهای ویژه‌ی دانش‌آموزان، والدین و دیگر اعضای خانواده‌ی آنان قرار گیرند که در ارتباط با گوناگونی این تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی هستند؛

ث. تضمین کنند که قوانین و سیاست‌گذاری‌ها برای دانش‌آموزان، کارمندان و آموزگاران با تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون، در مقابل هرگونه طرد شدن از جامعه و خشونت در محیط‌های آموزشی، و نیز در مقابل بدرفتاری و اذیت و آزار، حمایتی مناسب فراهم کند؛

ج. تضمین کنند که دانش‌آموزان قربانی طرد یا خشونت، به علت حمایت شدن، به حاشیه و انزوا رانده نشوند و منافع آنان با مشارکت ایشان، مشخص و رعایت شود؛

چ. برای این که نظم و ترتیب در مؤسسات آموزشی به نحوی هماهنگ با حیثیت انسانی اجرا شود، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را بدون تبعیض یا تنبیه بر اساس تمایل جنسی یا هویت جنسیتی دانش‌آموز، یا بر اساس تجلیات این گرایش و هویت، اتخاذ کنند؛

ح. دسترسی به امکانات و منابع یادگیری برای هرکس را، طی دوران زندگی‌اش، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی تضمین کنند، و همین طور برای کسانی که قبلاً، از چنین اشکال تبعیض در درون نظام آموزشی رنج برده‌اند.

اصل ۱۷. حق برخورداری از تندرستی در بالاترین سطح ممکن

هرکس حق دارد از تندرستی جسمی و روحی، در بالاترین سطح ممکن، و بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، برخوردار باشد. یکی از ابعاد بنیادی این حق، سلامتی جنسی و قوه‌ی تولید مثل است.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین بهره‌مندی از حق سلامتی در بالاترین سطح ممکن، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، اتخاذ کنند؛

ب. برای تضمین این که هرکس بتواند به مؤسسات، اموال و خدمات درمانی، و به آنچه که به سلامتی جنسی و تولید مثل مربوط می‌شود دسترسی داشته باشد، و نیز برای دست‌یافتن به پرونده‌های پزشکی خویش لازم است، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، اتخاذ کنند؛

پ. تضمین کنند که مؤسسات، اموال و خدمات درمانی بیهادستی بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، که به هر حال در مدّ نظر خواهد بود، به نیازهای همگان پاسخ دهد، و در این رابطه، پرونده‌های پزشکی به صورت محرمانه بررسی شوند؛

ت. برنامه‌هایی را گسترش و به اجرا گذارند که به مسئله‌ی تبعیض، پیش‌داوری‌ها و سایر مؤلفه‌های اجتماعی بپردازند که سلامتی برخی اشخاص را به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌شان به خطر می‌اندازد؛

ث. تضمین کنند که اشخاص را مطلع کنند تا آنان بتوانند درباره‌ی رسیدگی و معالجات پزشکی خود، برپایه‌ی توافقی و واقعاً آگاهانه، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، تصمیم بگیرند؛

ج. تضمین کنند که کلیه‌ی برنامه‌ها و خدمات آموزشی، پیشگیری، معالجات و رسیدگی در زمینه‌ی سلامتی جنسی و تولید مثل، تنوع تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی را رعایت کنند، و این همه، به طور برابر و بدون تبعیض در دسترس همگان قرار گیرد؛

چ. دسترسی به معالجه و مداوا را برای اشخاصی که مایل به تحمل جراحی عضو در رابطه با تغییر جنسیت‌اند، تسهیل نمایند و حمایتی مناسب و بدون تبعیض از آنان به عمل آورند؛

ح. تضمین کنند که کلیه‌ی دست‌اندرکاران معالجات پزشکی، با بیماران خود و طرف مقابل‌شان بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی و هویت جنسیتی، رفتار نمایند، و همین‌طور در رابطه با به رسمیت شناختن یک فرد به عنوان بستگان نزدیک.

خ. سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی و تربیتی لازم را به اجرا گذارند تا به افرادی که در بخش معالجات پزشکی کار می‌کنند امکان دهد که با رعایت تمایل جنسی و هویت جنسیتی همگان، بالاترین سطح ممکن سلامتی را فراهم کنند.

اصل ۱۸. حمایت در مقابل سوءاستفاده‌ی پزشکی

هیچکس را نمی‌توان به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، وادار به تحمل هرشکلی از رفتار، تشریفات یا آزمایش پزشکی یا روانی کرد و یا در مؤسسات درمانی محبوس نمود. تمایل جنسی و هویت جنسیتی یک فرد، به خودی خود بیماری محسوب نمی‌شود، و با وجود اینکه طبقه‌بندی‌هایی بر خلاف آن صورت می‌گیرد، نباید آن را معالجه و مداوا کرد، یا از میان برد.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین حفاظت کامل در مقابل اقدامات پزشکی زیان‌بخش که به تمایل جنسی یا هویت جنسیتی مربوط می‌شود، و همین‌طور مربوط است به کلیشه‌هایی که از فرهنگ نشأت می‌گیرند یا خیر، و در طرز تلقی، هیأت ظاهر یا در هنجارهای رایج جنسیتی ریشه دارند، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ب. برای تضمین اینکه هیچ کودکی بدن‌اش به طور بازگشت‌ناپذیر، بدون رضایت کامل، آزادانه و آگاهانه‌ی او، با اقداماتی پزشکی به منظور تحمیل یک هویت جنسی، تغییر نیابد، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند، و برطبق سن و پختگی او و بر طبق اصولی عمل کنند که بنا بر آن، در کلیه‌ی شرایطی که به کودک مربوط می‌شود، باید مناقع والای کودک در درجه‌ی اول اهمیت قرار گیرد؛

پ. ساز و کارهایی برای حمایت از کودک فراهم شود، تا هیچ کودکی در معرض سوءاستفاده، یا مورد سوءاستفاده‌ی پزشکی قرار نگیرد؛

ت. تضمین کنند که از اشخاص دارای تمایلات جنسی و هویت‌های جنسیتی گوناگون، در مقابل تحقیقات پزشکی ضداخلاق حرفه‌ای یا ناخواسته، و نیز در رابطه با واکسن‌ها، میکروب‌گشی علیه و.آی. اچ / ایدز یا سایر بیماری‌ها، محافظت کنند؛

ث. معیارها یا برنامه‌های تأمین مالی برای بخش بهداشت، و نیز بخش‌های مربوط به کمک برای توسعه را که می‌توانند چنین سوءاستفاده‌هایی را بیشتر، آسان‌تر یا به شکلی امکان‌پذیر سازند، بازبینی و اصلاح کنند؛

ج. تضمین کنند که تمایل جنسی و هویت جنسیتی اشخاص، در هیچ معالجه یا مشاوره‌ی درمانی یا روانشناختی، چه آشکارا و چه ضمنی، به عنوان یک بیماری که باید بررسی و مداوا شود یا از بین برود، تلقی نشود.

اصل ۱۹. حق آزادی اندیشه و بیان

هرکسی، مستقل از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، دارای حق آزادی اندیشه و بیان است. این حق هم مشتمل است بر بیان هویت یا شخصیت از طریق گفتار، کردار، طرز پوشش، ویژگی‌های جسمی، انتخاب نام یا از هر طریق دیگر، و هم دربرگیرنده‌ی آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و هرگونه فکر، از جمله هر آنچه به حقوق بشر، تمایل جنسی و هویت جنسیتی مربوط می‌شود، از هر طریق و بدون توجه به مرزهای کشوری.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین برخورداری کامل از آزادی اندیشه و بیان، ضمن رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند و نیز، دریافت و انتقال اطلاعات مربوط به تمایل جنسی و هویت جنسیتی، و نیز طرح مسائل مربوط به این واقعیات را برای کسب حقوق قانونی، چاپ مطالب، انتشارشان در رسانه‌ها، سازماندهی یا شرکت در کنفرانس‌ها، و پخش اطلاعات، و دستیابی به اطلاعات درباره‌ی آمیزش سالم را تضمین نمایند؛

ب. تضمین کنند که تولید و سازماندهی رسانه‌ها توسط دولت، چندصدایی و در رابطه با موضوع‌هایی که با تمایل جنسی یا هویت جنسیتی ارتباط دارند، بدون تبعیض باشد، و در استخدام کارمندان و سیاست‌های ارتقاء رتبه در این سازمان‌ها، در رابطه با تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، تبعیضی صورت نگیرد؛

پ. برای تضمین بهره‌مندی از حق ابراز هویت یا شخصیت از طریق گفتار، کردار، طرز پوشش، ویژگی جسمی، انتخاب نام یا هر وسیله‌ی دیگر، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ث. تضمین کنند که مفهوم نظم عمومی، اخلاق عمومی، بهداشت عمومی و امنیت عمومی، طوری به کار گرفته نشود که استفاده از آزادی عقیده و بیان در دفاع از تنوع تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی، به نحو تبعیض‌آمیزی محدود شود؛

ج. تضمین کنند که استفاده از آزادی عقیده و بیان، حقوق و آزادی‌های اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون را نقض نکند؛

چ. تضمین کنند که کلیه اشخاص، صرف نظر از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌شان، از دسترسی به اطلاعات و افکار، و نیز از مشارکت در بحث‌های عمومی بهره‌مند گردند.

اصل ۲۰. حق آزادی اجتماعات و انجمن‌های مسالمت‌آمیز

هرکس، صرف نظر از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، حق دارد از آزادی اجتماع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز، از جمله به منظور برپایی تظاهرات مسالمت‌آمیز برخوردار شود. همگان می‌توانند، بدون تبعیض و براساس تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، مجامعی تشکیل دهند و خواهان به رسمیت شناختن آن‌ها شوند، مجامعی که اطلاعات به، یا درباره‌ی اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون را به دیگران برسانند و یا ارتباط میان این اشخاص را تسهیل نمایند، و نیز خواستار حقوق آنان شوند.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین حق تشکل، همکاری و اجتماع، و برای اقدامات مسالمت‌آمیز حول مسائل مربوط به تمایل جنسی و هویت جنسیتی، و برای قانونی شناختن این مجامع و گروه‌ها، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی اتخاذ کنند؛

ب. تضمین کنند که به ویژه از مفهوم نظم عمومی، اخلاق عمومی، بهداشت عمومی و امنیت عمومی، طوری استفاده نشود که هرگونه اعمال حق اجتماع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز، فقط بر این اساس که چنین کاری حمایت از تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون است، محدود شود؛

پ. در هیچ شرایطی مانع اعمال حق اجتماع و تشکل انجمن مسالمت‌آمیز برای امور مرتبط با گرایش جنسیتی هویت جنسی نشوند، و تضمین کنند که صاحبان این حقوق در مقابل خشونت و ایداء جسمی، از حمایت مناسب پلیس یا هر نوع حمایت دیگری بهره‌مند شوند؛

ت. برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی برای ضابطان قانون و سایر مراجع صلاحیت‌دار ترتیب دهند تا آنان بتوانند چنین حمایتی را تأمین کنند؛

ث. تضمین کنند که مقررات مربوط به فاش ساختن اطلاعات انجمن‌ها یا گروه‌های کار داوطلبانه، در عمل، تأثیرات تبعیض‌آمیزی بر انجمن‌ها و گروه‌هایی که به مسائل مربوط به تمایل جنسی یا هویت جنسیتی می‌پردازند، یا بر اعضای آن‌ها نداشته باشد.

اصل ۲۱. حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب

هرکس، صرف نظر از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار شود. دولت نمی‌تواند این حقوق را وسیله‌ی توجیه قوانین، سیاست‌ها یا اقداماتی قرار دهد که با تکیه بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، حمایت یکسان قانون را نفی می‌کنند، یا تبعیض قائل می‌شوند.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین حق اشخاص در داشتن و عمل به اعتقادات مذهبی یا غیرمذهبی، چه تنها و چه با دیگران، و برای حمایت از آنان در مقابل هرگونه دخالت در اعتقادات و عمل به آن، و محفوظ بودن علیه هرگونه تغییر یا علیه تحمیل اعتقادات، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ب. تضمین کنند که بیان، اعمال و گسترش عقاید، اعتقادات و باورهای گوناگون در باره‌ی مسائل مربوط به تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، به طریقی نباشد که در مقابل حقوق انسانی قرار گیرد.

اصل ۲۲. آزادی رفت و آمد

هرکسی که به طور قانونی در یک کشور حضور دارد، مستقل از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، حق آزادی رفت و آمد، و سکونت در داخل مرزهای کشور را دارد. تمایل جنسی یا هویت جنسیتی شخص، هرگز نباید به منظور ایجاد محدودیت و مانع در راه ورود، خروج و یا بازگشت او به کشور، و از جمله به کشوری که تبعه آنجاست، عنوان شود.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین حق آزادی رفت و آمد و سکونت، مستقل از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند.

اصل ۲۳. حق تقاضای پناهندگی

هرکس حق دارد در مقابل سرکوب، از جمله سرکوب مرتبط با تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، تقاضای پناهندگی کند و در کشور دیگری از این حق بهره‌مند شود. هیچ دولتی، یک فرد را به کشور دیگری گسیل و اخراج نخواهد کرد و بازپس نخواهد فرستاد که او ترس موجهی دارد که در آنجا به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، تحت شکنجه، سرکوب یا هرنوع رفتار یا مجازات بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین‌آمیز قرار خواهد گرفت.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. به منظور تضمین این که ترس از سرکوب در رابطه با تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، همچون دلیل به رسمیت شناختن موقعیت پناهنده، و کسب پناهندگی پذیرفته شود، تدابیر قانونی را، بازبینی، اصلاح و تصویب کنند؛

ب. تضمین کنند که هیچ سیاست یا عملی، متقاضیان پناهندگی را براساس تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌شان، مورد تبعیض قرار ندهد؛

پ. تضمین کنند که هیچ‌کس را به کشور دیگری که بنا به دلایلی جدی، خطر آن هست که به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، مورد شکنجه، سرکوب یا هر نوع رفتار یا مجازات بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین‌آمیز قرار گیرد، گسیل و اخراج نکنند یا بازپس نفرستند.

اصل ۲۴. حق تشکیل خانواده

هرکس، صرف نظر از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، حق دارد تشکیل خانواده دهد. خانواده انواع مختلفی دارد. هیچ خانواده‌ای به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی یکی از اعضای خانواده، مورد تبعیض قرار نخواهد گرفت.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین حق تشکیل خانواده، از جمله از طریق فرزندپذیری یا تولید مثل همراه با کمک (از جمله لقاح مصنوعی با کمک دیگری) کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، اتخاذ کنند؛

ب. تضمین کنند که قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، تنوع اشکال خانواده را، و از جمله خانواده‌هایی را که با تبار یا ازدواج تعریف نمی‌شوند، به رسمیت بشناسند، و برای تضمین این که هیچ خانواده‌ای به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی یکی از اعضایش، و همین‌طور در رابطه با کمک‌های اجتماعی مربوط به خانواده و سایر کمک‌هزینه‌های عمومی، شغل، مهاجرت، مورد تبعیض قرار نگیرد، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

پ. در کلیه‌ی اقدامات و تصمیم‌گیری‌های مربوط به کودکان، ، حق بیان آزادانه‌ی عقیده را برای کودکی که قادر به تشخیص است تضمین کنند، و نیز تضمین نمایند که این عقاید، چنان که باید، با توجه به سن و میزان پختگی‌اش به حساب آیند.

ت. در کشورهایی که ثبت ازدواج میان دو همجنس یا دو همراه پذیرفته است، کلیه‌ی تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را در نظر گیرند تا تمامی کمک‌های اجتماعی، امتیازها، حقوق یا اولویت‌های اجتماعی که به همسران ازدواج کرده یا ثبت شده‌ی دو جنس مخالف داده می‌شود، به نحو یکسانی به دو همجنس ازدواج کرده یا ثبت شده نیز داده شود؛

ث. برای تضمین این که تمامی حقوق، کمک‌ها، اولویت‌ها یا امتیازهای اجتماعی اعطاء شده به همسری دو جنس مخالف ازدواج نکرده، به نحو یکسانی به همسری دو همجنس ازدواج نکرده نیز داده شود، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ج. تضمین کنند که ازدواج و هرگونه همسری به رسمیت شناخته شده، با توافق آزادانه و کامل طرفین انجام گیرد.

اصل ۲۵. حق مشارکت در حیات عمومی جامعه

همه شهروندان حق دارند در اداره‌ی امور عمومی سهم شونند، حق دارند خود را برای مقام‌های انتخابی معرفی کنند، در تنظیم سیاست‌هایی که به بهبود زندگی‌شان مربوط می‌شود، مشارکت ورزند، و بتوانند بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، به کلیه سطوح بخش عمومی، به مشاغل دولتی، از جمله خدمت در پلیس و ارتش وارد شوند.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. به منظور تضمین برخورداری کامل از حق مشارکت در حیات عمومی و امور عمومی و سیاسی، در کلیه سطوح بخش دولتی و مشاغل دولتی، از جمله در اداره پلیس و ارتش، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی شخص و با احترام کامل بدان، تدابیر قانونی را، بازبینی، اصلاح و تصویب کنند؛

ب. به منظور پایان بخشیدن به کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌های مربوط به تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، و نیز ملاحظاتی که مشارکت در حیات عمومی را محدود می‌کنند و یا مانع آن می‌شوند، اقدام‌های لازم را به عمل آورند؛

پ. به منظور تضمین حق مشارکت همگان در تنظیم سیاست‌هایی که به بهبود زندگی آنان مربوط می‌شود، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌شان و با احترام کامل بدان، اقدامات مقتضی به عمل آورند.

اصل ۲۶- حق مشارکت در حیات فرهنگی

هرکس حق دارد، مستقل از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، آزادانه در حیات فرهنگی مشارکت کند و تنوع تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی را از طریق این مشارکت، ابراز نماید.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین امکان مشارکت هرکس در حیات فرهنگی جامعه، مستقل از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش، و با احترام کامل بدان، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند.

ب. گفتگو و احترام متقابل میان هواخواهان گروه‌های مختلف فرهنگی در کشور را با همخوانی با حقوق بشر مورد نظر این اصول تشویق کنند، از جمله میان گروه‌هایی که در زمینه تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، نظرهای متفاوتی دارند.

اصل ۲۷. حق اعتلای حقوق انسانی

هرکس حق دارد، به تنهایی یا همراه با دیگران، حفظ و اجرای حقوق بشر را در سطح کشوری و جهانی، بدون تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، اعتلا بخشد. این امر شامل فعالیت‌هایی است که به منظور اعتلا و حفظ حقوق اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی صورت می‌گیرد، و نیز در برگیرنده‌ی حق ایجاد و به بحث گذاشتن هنجارهای نو در زمینه‌ی حقوق بشر و به کرسی نشاندن رسمیت آن‌هاست.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. برای تضمین شرایط مناسب برای فعالیت در جهت اعتلا، حفظ و تحقق حقوق انسانی، و حقوق مرتبط با تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، کلیه تدابیر قانونی، اداری و نیز سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند؛

ب. برای مبارزه با اعمال و کمپین‌های ضد مدافعان حقوق بشر که در زمینه‌های مربوط به تمایل جنسی یا هویت جنسیتی کار می‌کنند، کلیه تدابیر مناسب را اتخاذ نمایند، همین‌طور علیه فعالیت‌هایی که بر ضد مدافعان حقوق بشر دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی دیگر، انجام می‌گیرند؛

پ. تضمین کنند که مدافعان حقوق انسانی، مستقل از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌شان، و مستقل از حقوق بشری که از آن دفاع می‌کنند، بتوانند بدون تبعیض، از حق ورود به سازمان‌ها و نهادهای کشوری و جهانی دفاع از حقوق بشر برخوردار باشند، و نیز از حق حضور در آن‌ها و حق تماس و مکاتبه با این سازمان‌ها و نهادها بهره‌مند گردند؛

ت. تضمین کنند که از مدافعان حقوق بشر که درباره‌ی مسائل مربوط به تمایل جنسی یا هویت جنسیتی کار می‌کنند، و به خاطر فعالیت‌هایشان در دفاع از حقوق انسانی، در معرض انواع خشونت، تهدید، انتقام‌جویی به صورت قانونی یا عملی، فشار یا هر اقدام خودسرانه‌ی دولتی، یا غیردولتی قرار دارند، محافظت شود؛

ث. از به رسمیت شناختن و معتبر شمردن نهادهایی که حقوق اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون را مطرح و حمایت می‌کنند، پشتیبانی نمایند.

اصل ۲۸. حق برخورداری از دادرسی و جبران مؤثر خسارت

همه‌ی قربانیان نقض حقوق انسانی، و قربانیان نقض حقوق مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، حق دارند از دادرسی مؤثر، مناسب و ویژه برخورداری باشند. تدابیر اتخاذ شده به منظور ترمیم یا تضمین اصلاحات مناسب حال اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون، بخش جدایی‌ناپذیر حقوق آنان در برخورداری از دادرسی و جبران مؤثر خسارت است.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. دادرسی حقوقی لازم را، از جمله از راه بازبینی مقررات قانونی و سیاسی برقرار کنند تا تضمین کنند که قربانیان نقض حقوق بشر به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی بتوانند با دریافت خسارت، ترمیم مالی، اعاده‌ی حیثیت، پرداخت غرامت، و تضمین عدم تکرار و یا از راه‌های دیگر، از جبران کامل خسارات بهره‌مند شوند؛

ب. تضمین کنند که دادرسی‌های حقوقی رعایت و به موقع به اجرا درآیند؛

پ. تضمین کنند که برای تقاضای دادرسی و جبران خسارات، نهادها و هنجارهای کارآیی به وجود آیند، و و تمامی کارمندان [این نهادها]، در مورد مسائل مرتبط با نقض حقوق بشر مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، آموزش ببینند؛

ت. تضمین کنند که همه‌ی اشخاص به اطلاعات لازم مربوط به روند درخواست دادرسی، و جبران خسارت دسترسی داشته باشند؛

ث. تضمین کنند که کسانی که توانایی عهده‌دار شدن هزینه‌ی امور مربوط به پیگیری جبران خسارت را ندارند، کمک مالی شود، و کلیه‌ی موانع جبران خسارت مالی یا غیر آن، از میان برود؛

ج. تضمین کنند که به منظور گسترش رعایت و پذیرش هنجارهای بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر، در هماهنگی با این اصول، و نیز به منظور مبارزه با نگرش تبعیض‌آمیز مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی و نیز اقداماتی برای آموزگاران و دانش‌آموزان در تمام سطوح آموزش عمومی، و برای مجامع حرفه‌ای و برای ناقضان بالقوه‌ی حقوق بشر، به اجرا گذاشته شود.

اصل ۲۹. مسئولیت

هر کس که حقوق انسانی‌اش، و نیز آن حقوقی که در این اصول قید شده، نقض شده باشد، می‌تواند خواستار آن شود که اشخاص مقصر در این نقض حقوق، به نسبت سهمی که چه مستقیم و چه

غیرمستقیم، در تشدید نقض حقوق داشته‌اند، مسئول اعمال‌شان شناخته شوند، اعم از این که مأمور دولت بوده باشند یا خیر.

دولت‌ها موظف‌اند:

الف. دادرسی‌های کیفری، مدنی، اداری و غیره را که مناسب، دست‌یافتنی و مؤثر باشد، و نیز ساز و کارهای نظارتی را به کار گیرند تا تضمین کنند که اشخاص مقصر در نقض حقوق بشر مرتبط با تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، مسئول اعمال خود شناخته شوند؛

ب. تضمین کنند که کلیه‌ی جرایمی که به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، واقعی یا تصویری قربانی صورت گرفته، و نیز جرایمی که در این اصول قید شده، به سرعت مورد تحقیقات کامل قرار گیرند، و زمانی که دلایل کافی فراهم است، اشخاص مقصر را پیگرد و محاکمه کنند و چنان که باید، به مجازات رسانند؛

پ. نهادها و شیوه‌های مستقل و مؤثری برای نظارت بر تنظیم و اجرای قوانین و سیاست‌ها ایجاد کنند تا رفع هرگونه تبعیض مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، تضمین شود؛

ت. موانعی را که از مسئول شناختن اشخاص مقصر در نقض حقوق انسانی مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی جلوگیری می‌کند از میان بردارند.

توصیه‌های الحاقی

هر عضو اجتماع و جامعه‌ی جهانی در آن چه به تحقق حقوق بشر مربوط می‌شود، مسئولیت دارد. از این رو توصیه‌می‌کنیم که:

الف. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در حقوق بشر، این اصول را معتبر شمارد، اجرای آن را در سطح جهانی گسترش دهد و از جمله در سطح اجرایی، در کار کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در حقوق بشر بگنجانند؛

ب. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد این اصول را معتبر بشناسد، و به منظور گسترش پذیرش این اصول از سوی دولت‌ها، به نقض حقوق بشر مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی، توجه بیشتری داشته باشد؛

پ. روال ویژه‌ی کار در زمینه‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد، به نقض حقوق بشر مبتنی بر تمایل جنسی یا هویت جنسیتی توجه لازم نماید و در انجام وظایف خود این اصول را منظور کند؛

ت. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیردولتی را که هدفشان گسترش و حمایت از حقوق بشر اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون است، بر طبق قطعنامه‌ی ۱۹۹۶/۳۱، به رسمیت بشناسد؛

ث. نهادهای مربوط به معاهدات سازمان ملل متحد، این اصول را مؤکداً در انجام وظایف خود در نظر گیرند، همین‌طور در حقوق مربوط به رویه‌ی قضایی و در بررسی گزارش‌های دولتی منظور کنند و برحسب ضرورت، ملاحظاتی عمومی یا متونی کاربردی درباره‌ی تعمیم حقوق بشر به اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون، تصویب کنند؛

ج. سازمان بهداشت جهانی و UNAIDS (هم‌آهنگ‌کننده‌ی برنامه‌های مبارزه با ایدز)، دستورالعمل‌هایی را برای ارائه‌ی خدمات، و مداوای پزشکی لازم گسترش دهند که ضمن رعایت کامل حقوق بشر و حیثیت اشخاص، پاسخ‌گوی نیازهای آنان در رابطه با تمایل جنسی یا هویت جنسیتی باشند؛

چ. کمساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، این اصول را در اقداماتی که به منظور حمایت از اشخاصی که متحمل فشارهای ناشی از تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌شان می‌شوند، یا دلایلی قوی دارند که از این فشارها بترسند، ملحوظ دارند و تضمین کنند که هیچکس در هنگام دریافت کمک‌های انسانی یا سایر خدمات، یا به هنگام تعیین وضعیت پناهندگی، به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌اش مورد تبعیض واقع نشود؛

ح. سازمان‌های بین‌حکومتی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای متعهد به حقوق بشر، و نیز نهادهای حقوق بشر مناطق، تضمین کنند که تحقق این اصول، بخش جداناپذیری از اجرای وظایف ساز و کارهای گوناگون آنان، روال کار و سایر تدابیر و اقدامات‌شان در زمینه‌ی حقوق بشر شود؛

خ. دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر، اصول پیش‌گفته را که در مقایسه با میثاق‌های حقوق انسانی مورد بررسی، معتبرند، مؤکداً در زمره‌ی قوانین مربوط به آن دسته از رویه‌های قضایی بگنجانند که در زمینه‌ی تمایل جنسی یا هویت جنسیتی مطرح می‌کنند؛

د. سازمان‌های غیردولتی که در سطح کشوری، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر فعالیت می‌کنند، رعایت این اصول را در چارچوب وظایف ویژه‌ی خود، اعتلا بخشند؛

ذ. سازمان‌های بشردوست، این اصول را در عملیات بشردوستانه یا امدادسانی خود بگنجانند و به هنگام ارائه‌ی کمک و سایر خدمات، از تبعیض نسبت به اشخاص به دلیل تمایل جنسی یا هویت جنسیتی‌شان خودداری ورزند؛

ر. نهادهای کشوری حقوق بشر، رعایت این اصول را توسط کنشگران دولتی و غیردولتی اعتلا بخشند و گسترش و حمایت حقوق انسانی اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون را در متن کار خود وارد کنند؛

ز. سازمان‌های حرفه‌ای، از جمله در بخش پزشکی، قضایی، کیفری یا مدنی و آموزشی، با هدف تضمین این که اجرای این اصول مؤکداً گسترش یابد، شیوه‌ی کار و دستورالعمل‌های خود را بازبینی کنند؛

ژ. سازمان‌های بازرگانی، نقش مهمی را که از يك سو در تضمین رعایت این اصول در قبال کارمندان خویش، و از سوی دیگر، در پیشرفت این اصول در سطح کشوری و بین‌المللی دارند، بشناسند و بر پایه آن عمل کنند؛

س. رسانه‌های پرمخاطب، از به کارگرفتن کلیشه‌های مرتبط با تمایل جنسی یا هویت جنسیتی خودداری کنند و مدارا و پذیرفتن تنوع تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی انسان را گسترش دهند و مردم را نسبت به این مسائل آگاه سازند؛

ش. تأمین‌کنندگان دولتی یا خصوصی منابع مالی، برای پیشرفت و حمایت حقوق بشر اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون، کمک مالی در اختیار نهادهای غیردولتی و نهادهای دیگر بگذارند.

این اصول و توصیه‌ها بیانگر کاربرست قوانین بین‌المللی حقوق بشر در زندگی و تجربه‌های اشخاص دارای تمایلات جنسی یا هویت‌های جنسیتی گوناگون است، و در این اسناد هیچ چیز نباید طوری تفسیر شود که حقوق و آزادی این اشخاص را، چنان که بر طبق هنجارها و حقوق بین‌المللی، منطقه‌ای و کشوری، به رسمیت شناخته شده است، تقلیل دهد یا به هر شکل، محدود کند.

ضمیمه

امضا کنندگان اصول جوکجاکارتا

-فیلیپ آلستون (Philip Alston) - استرالیا، گزارشگر ویژه ملل متحد درباره‌ی اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه و پروفیسور حقوق در دانشگاه حقوق آمریکا

-ماکسیم آنمگیشن (Maxim Anmeghichean) - مولداوی، بخش اروپایی انجمن بین‌المللی همجنس‌گرایان

-مورو کابرال (Mauro Cabral) - آرژانتین، پژوهشگر دانشگاه کوردوبا در آرژانتین و کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر همجنس‌گرایان

-ادوین کامرون (Edwin Cameron) - افریقای جنوبی، قاضی دیوان عالی کشور

-خانم سونیا اونوفر کوره‌آ (Sonia Onufer Corrêa) - برزیل، پژوهشگر وابسته به انجمن میان‌رشته‌ای برزیل علیه ایدز و رئیس مشترک Sexuality Policy Watch

-خانم یاکین ارتورک (Yakin Ertürk) - ترکیه، گزارشگر ویژه ملل متحد درباره‌ی خشونت علیه زنان، پروفیسور دانشکده‌ی جامعه‌شناسی در دانشگاه فنی خاورمیانه- آنکارا

-خانم الیزابت اوآت (Elizabeth Evatt) - استرالیا، عضو سابق و رئیس کمیته‌ی ملل متحد برای رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض از زنان، عضو سابق کمیته‌ی حقوق بشر ملل متحد و کمیسر کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان

-پل هانت (Paul Hunt) - زلاند نو، گزارشگر ویژه ملل متحد درباره‌ی حق برخورداری از بالاترین حد ممکن بهداشت، پروفیسور دانشکده‌ی حقوق دانشگاه Essex در انگلیس

-خانم آسما جهانگیر (Asma Jahangir) - پاکستان، رئیس کمیسیون حقوق بشر پاکستان

-ماینا کیای (Maina Kiai) - کنیا، رئیس کمیسیون ملی حقوق بشر کنیا

-میلون کاتاری (Miloon Kathari) - هندوستان، گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد حق برخورداری از مسکن مناسب

-خانم جودیت مسکیتا (Judith Mesquita) - انگلستان، پژوهشگر اصلی مرکز حقوق بشر اسکس انگلیس

-خانم آلیس م میلر (Alice M. Miller) - ایالات متحده آمریکا، دستیار پروفیسور در مدرسه‌ی بهداشت عمومی، مدیر مشترک برنامه‌ی حقوق بشر دانشگاه کلمبیا

-خانم سانجی ماسه‌نونو مونجنگ (Sanji Mmasenono Monageng) - بوتسوانا، قاضی دیوان عالی کشور (جمهوری گامبی)، کمیسر کمیسیون حقوق بشر و مردم افریقا، رئیس کمیته‌ی به اجرا گذاشتن رهنمودهای Robbin Island درباره‌ی ممنوعیت و جلوگیری از شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین‌آمیز (کمیسیون افریقای حقوق بشر و مردم)

-ویتی مونناربرون (Viti Muntarbhorn) - تایلند، گزارشگر ویژه ملل متحد درباره‌ی وضعیت حقوق بشر جمهوری دموکراتیک خلق کره و پروفیسور حقوق در دانشگاه --- چولالونکورن تایلند (رئیس مشترک نشست کارشناسان)

-لورانس موت (Lawrence Mute)- کنیا، کمیسر کمیسیون ملی حقوق بشر کنیا

-مانفرد نوواک (Manfred Nowak)- اتریش، گزارشگر ویژه ملل متحد درباره‌ی شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین‌آمیز، کمیسر کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان، استاد حقوق بشر در دانشگاه وین، و مدیر انستیتوی حقوق بشر لودویگ بولتزمن اتریش

-خانم آنا ال‌هنا اوباندو مندوزا (Ena Elena Obando Medoza)- کاستاریکا، وکیل فمینیست، فعال حقوق بشر زنان، مشاور بین‌المللی

-مایکل او فلاهرتی (Michael O'Flaherty)- ایرلند، عضو کمیته‌ی حقوق بشر ملل متحد، استاد حقوق بشر کاربردی و مدیر مشترک مرکز قوانین حقوق بشر در دانشگاه ناتینگهام (گزارشگر گسترش اصول جوک‌جاکارتا)

-سانیل پانت (Sunil Pant)- نپال، رئیس Blue Diamond Society نپال

خاتم دیمیترونا پرتووا (Dimitrina Petvova)- بلغارستان، دبیر کل The Equal Rights Trust

-رودی محمد ریزکی (Rudi Mohammad Rizmi)- اندونزی، گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد همبستگی بین‌المللی، استاد اصلی و معاون امور آکادمیک دانشکده‌ی حقوق دانشگاه پاجداجاران اندونزی

-خانم ماری روبینسون (Mary Robinson)- ایرلند، بنیانگذار و رئیس سابق Realizing Rights: The Ethical Globalization Initiative، و کمیسر عالی سابق حقوق بشر ملل متحد

-نوهنا وچکوویچ ساهوویچ (Nevena Vuckovic Sahovic)- صربیه، عضو کمیته‌ی ملل متحد در مورد حقوق کودک، و رئیس مرکز حقوق کودک بلگراد

-مارتین شاینین (Martin Scheinin)- فنلاند، گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد حمایت و اعتلای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در مبارزه علیه تروریسم، استاد حقوق بین‌الملل و قانون اساسی و مدیر انستیتوی حقوق بشر آبا آکادمی فنلاند

-وان یانهای (Wan Yanhai)- چین، بنیانگذار AIZHI Action Project و مدیر انستیتوی آموزش بهداشت Beijing AIZHIXING

-استفان وایتل (Stephen Whittle)- انگلستان، استاد حقوق و برابری در دانشگاه منچستر

-رومن ویروزوسکی (Rpmán Wieruszewski)- لهستان، عضو کمیته‌ی حقوق بشر ملل متحد و مدیر مرکز حقوق بشر پزنان

-روبرت وینتکوت (Robert Wintemute)- انگلستان، استاد مذهب حقوق بشر در مدرسه‌ی حقوق کالج سلطنتی لندن

1 - تمایل جنسی عبارت است از ظرفیت عمیق کشش احساسی، عاطفی و جنسی فرد نسبت به جنس مخالف، یا همجنس، یا بیش از یک جنس، و داشتن روابط نزدیک و جنسی با آنان.

2 - هویت جنسیتی عبارت از تجربه‌ی درونی و شخصی از جنسیت خویش است که هر فرد عمیقاً حس کرده است. تجربه‌ای که به جنسیت او به هنگام تولد مربوط می‌شود یا خیر، همین طور آگاهی شخصی نسبت به بدن خود (که

اگر با رضایت آزادانه باشد، می‌تواند تغییر در شکل ظاهری یا کارکردهای بدنی فرد از طریق پزشکی، جراحی و غیره را در بر گیرد) و دیگر تجلیات جنسیتی، همچون نحوه پوشش، گفتار و طرز رفتار.

Gadjah Mada -³

Jogjakarta -⁴

Michael O'Flaherty -⁵

Sonia Onufer Correa -⁶

Vitit Muntarbhorn -⁷

⁸ - تراجنسیتی (دگرجنس‌گونی)، تراجنسی و دوجنسی، به ترتیب، معادل هستند با Transsexuelle,

Transgenre, Intersexuelle